همدلی
سه‌شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۱ | ۱۷ رمضان ۱۴۴۳ | سال سی‌ام | شماره ۸۴۷۹

به نام رمز ارزها به کام کلاهبردارها

این روزها کلاهبرداری با سوءاستفاده از نام رمزارزها و با ساخت توکن‌های جعلی بسیار باب شده است...

۱۱

طرح: همشهری/بهرام غروی

آیا واقعا همه چیز در کشور «مافیا» دارد؟

کارشناس مسائل حقوقی می‌گوید هیچ قانون و ماده‌ای برای مبارزه با جرائم سازمان یافته نداریم و مقامات قضایی، مأموران انتظامی، اطلاعاتی در این‌باره بی‌تقصیرند

گزارش
نگار حسینخانی
روزنامه‌نگار

حتما شما هم با بازی مافیا که این روزها در شبکه خانگی تهیه و پخش می‌شود، آشنا شده‌اید. شاید هم از آن دسته باشید که خودتان همراه دوستان و خانواده آن را بازی کرده‌اید. اما مافیا چه کسانی هستند؟ آیا آنها همان گروه با منافع مشترکند که در پی حذف شهروندان دروغ می‌گویند؟ مافیا در نظام اقتصادی و اجتماعی چگونه دست می‌برند و آنچه ما به‌عنوان مافیای سکه، کالاهای اقتصادی و... می‌شناسیم در قانون چگونه تعریف و چه مجازات‌هایی برایشان درنظر گرفته شده است. ما برای پاسخ به بعضی از این سؤالات در قالب قانونی با محمدرضا گیوکی، وکیل پایه یک دادگستری، عضو کانون وکلای مرکز و قاضی بازنشسته صحبت کرده‌ایم.

ما امروز بسیار درباره دست‌های پنهان مافیا در هر بزنگاهی که باعث خرابکاری‌هایی در رویه معمول بازار و سیاست در کشور می‌شود، می‌شنویم. این مافیا چه کسانی هستند و قانون با آنها چگونه برخورد می‌کند؟

نقیصه‌ای در قانون ما هست و آن هم اینکه تعریفی از مافیا در قانون کشور وجود ندارد. هرچند با بررسی قانون می‌توان به تعریفی در این‌باره رسید که نزدیک به تعریف مافیا باشد. مافیا را می‌توان در قالب جرائم سازمان یافته تعریف کرد. هرچند برای جرائم سازمان‌یافته هم در قانون تعریف مشخصی وجود ندارد، ولی از موارد مشابه و نکاتی که در قانون از آن قید شده است می‌توان به تعریفی دست پیدا کرد.

چرا تا امروز تعریفی درباره مافیا شکل نگرفته؟

قوانین جزائی و مجازات اسلامی بیشتر مبتنی بر فقه است. اما باید به این نکته توجه کرد که با جهانی شدن جرائم و گستردگی آن، فقها باید اظهار نظر کنند. مثلا جرائم مربوط به رایانه، موادمخدر، پولشویی و... که درباره آن به طور مستقیم در فقه تعریفی وجود ندارد باید در کشور مورد بررسی قرار گیرد. از این‌رو قوه مقننه می‌تواند قوانینی تعریف کند که شامل این جرائم شود.

گفتید عملکرد مافیا می‌تواند ذیل جرائم سازمان‌یافته قرار گیرد. چه نوع جرائمی سازمان‌یافته محسوب می‌شوند؟

درباره جرائم سازمان‌یافته در قانون، ۲نکته وجود دارد که باید به جمع‌بندی آن بپردازیم. در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی تعریف مختصری، آن هم نه در قالب جرائم سازمان‌یافته بلکه درباره ارتکاب جرائم گروهی مطرح شده است. اینکه اگر ۳نفر بیشتر مرتکب یک جرم شوند، جرم گروهی می‌شود. اما درباره اینکه تعریفی از جرم سازمان‌یافته در قانون وجود دارد یا خیر باید گفت صرفا در بند «سین» ماده یک قانون مبارزه با کالای قاچاق تعریف مختصری در این‌باره وجود دارد: قاچاق سازمان‌یافته جرمی است که با برنامه‌ریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتا منسجم متشکل از ۳نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق تشکیل و پس از تشکیل برای ارتکاب جرم قاچاق منحرف شده‌اند صورت می‌گیرد. نکته این است که جرم سازمان‌یافته به شکل مختصر تعریف شده، اما نقص آن هم این است که جرم سازمان‌یافته صرفا درباره کالای قاچاق مطرح شده است، درحالی که یک بخش از قانون مجازات هم باید به جرائم سازمان‌یافته اختصاص پیدا کند.

خب پس تا امروز جرم‌های گروهی و مافیا چگونه مجازات می‌شدند؟

قانون تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ برای شخصیت حقوقی، به‌عنوان مجرم، هیچ مجازاتی قائل نمی‌شد. یعنی اگر شرکتی به‌عنوان شخصیت حقوقی مرتکب جرم می‌شد، برای پرونده منع تعقیب صادر می‌کردیم و پرونده را مختومه می‌دانستیم. چون قانون برای شخصیت حقوقی هیچ مجازاتی درنظر نگرفته بود و عملکرد شخصیت حقوقی جرم‌انگاری نشده بود. اما پس از این سال برای شخصیت حقوقی هم به شکل مختصر مجازات تعیین شد. یعنی اگر شرکتی مرتکب جرمی شود، آن شرکت هم قابل مجازات خواهد بود.

یعنی سازمان نیز پس از آن سال مورد مجازات قرار گرفت؟ چگونه؟

درباره جرائم سازمان‌یافته ما درباره یک سازمان صحبت می‌کنیم. بنابراین سازمان، هیأت حاکم، رئیس و... دارد و بالطبع باید با یک سازمان برخورد شود. ایرادی که در قانون ما وجود دارد این است که صرفا با فرد برخورد می‌شود. مثلا سلطان سکه، سلطان قیر و... که در دوره‌ای هم مجازات شدند. غافل از اینکه سلطان سکه یک سازمان پشت خود داشته و ما با یک فرد برخورد کرده‌ایم. اما آیا قانون تکلیفی برای آن سازمان هم تعیین کرده است یا مجازاتی درنظر گرفته است؟ هیچ ماده قانونی نداریم که مجازاتی برای آن سازمان درنظر بگیرد. سازمان مورد نظر با وجود وابستگی‌های زیاد با نهادهای دولتی و غیردولتی رها شده است. مانند این است که شاخه‌های یک درخت تنومند هرس شده باشد، درحالی که باید ریشه‌یابی کرده و با ریشه‌ها برخورد کنیم. موادمخدر جرمی سازمان‌یافته است که مانند بسیاری از جرم‌های دیگر به دو دسته تقسیم می‌شود؛ جرائم ملی و فراملی. موادمخدر به‌عنوان جرم سازمان‌یافته باید مشخص شود از کجا وارد کشور می‌شود؟ کشورهای همسایه مواد را وارد ایران کرده و از کشور ما نیز به کشورهای دیگر منتقل می‌کنند. این کار یک شخص نیست بلکه یک سازمان آن را هدایت می‌کند. متأسفانه قانون درخصوص مجازات آن سازمان ساکت مانده و فقط درباره تشدید مجازات و به حداکثر رساندن آن صحبت کرده است. درحالی که باید فهمید آن جرم سازمان‌یافته که از ۳نفر بیشتر تشکیل شده است، به چه جایی وصل است.

بنابراین خاطی اصلی هیچ‌گاه به سزای عمل خود نخواهد رسید. آیا این نوعی سهل‌انگاری در صدور حکم برای قاضی محسوب نمی‌شود؟

این اشکالی است که به قانون وارد است و مقامات قضایی، مأمور انتظامی، اطلاعاتی و... بی‌تقصیر هستند. چون برای مبارزه با سازمان، هیچ قانون و ماده‌ای نداریم که سازمان چگونه متلاشی شود.

بااین حال از حضور مافیا در تمام حوزه‌ها، حتی خیار و شیر خشک و گوجه صحبت می‌شود و می‌گویند آنها در وضعیت بازارها مؤثر هستند. مافیا در کار صدمه زدن به منافع ملی و مردم است، بعد قانونی برای برخورد با دسته مافیا وجود ندارد؟ شاید ما اصلا مافیا نداریم. آیا می‌توان حضور مافیا را در کشور رد کرد؟

در رسانه‌ها و اذهان عمومی بازی با کلمات شکل گرفته است. این بازی با کلمات باعث ایجاد شبهه و سردرگمی مسئولان خواهد شد. ما از مافیا صحبت می‌کنیم درحالی که تعریفی درباره مافیا در قانون وجود ندارد. جرائم سازمان‌یافته نیز فقط درباره کالای قاچاق به‌کار رفته است. استنباط می‌کنم این بازی با کلمات است و به جای آن باید به قوه مقننه پیشنهاد کنیم یک کتاب قانون نسبت به جرائم سازمان‌یافته به شکل منظم تدوین و تصویب و اجرایی کنند. بازی با کلمات هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. آیا با مجازات چند نفر توانسته‌ایم سازمان را متلاشی کنیم؟ نه چون مبنای قانونی در این‌باره وجود ندارد. یکی از مواردی که باید در مجازات رعایت شود عنصر قانونی است. ما برای مجازات یک شخص یا گروه به چند عنصر نیاز داریم؛ مهم‌ترین عنصر، عنصر قانونی است. یعنی قانون باید برایمان آن مسئله را جرم‌انگاری کرده باشد. اگر چنین روندی شکل نگیرد در اصل جرمی صورت نگرفته. زیرا جرم آن است که در قانون جرم شناخته شود، وقتی چنین نیست، برخورد ما نیز با جرم غیرقانونی خواهد بود.

با سازمان‌های متخلف چگونه برخورد می‌شود؟ آیا شما هم با این مشکل روبه‌رو بوده‌اید؟

سازمان یک‌سری مشخصه‌ها و ویژگی‌های خاص دارد. ازجمله اینکه سازمان هیأت حاکمه داشته و برای بقای خود نیازمند به هدف، ساختار، ارکان و اشخاص است. هر سازمان باید از رئیس تا معاون و مجریان، اهداف و وابستگی‌هایشان شناسایی شود. وقتی با یک سازمان برخورد می‌شود باید با همه این ریشه‌ها برخورد شود تا آن سازمان از بین برود. چون با حذف فقط یک نفر، نفر دیگری جایگزین خواهد شد. مشکل من و بسیاری از حقوقدان‌ها نیز این است که هنوز تعریفی در قانون درباره جرم سازمان‌یافته و مافیا وجود ندارد و مجازاتی برای آنها درنظر گرفته نشده است. یعنی مهم‌ترین عنصر قانونی آن منتفی است.

مافیا در هر کشوری با چه هدفی شکل می‌گیرد؟

هدف سازمان‌های مورد نظر صرفا کسب سود نامشروع کلان است. برای رسیدن به این هدف نیز هر آن‌کس مقابل‌شان قرار بگیرد نابود می‌کنند. مثلا اگر سازمان دیگری مقابل رسیدن این سازمان‌ها به هدف‌شان باشد، حتی اگر سازمان دولتی باشد، آن را تضعیف و نابود می‌کنند. گاه افراد را حذف می‌کنند و موانع پیش‌روی خود را برمی‌دارند. در وهله بعد از افشای جرم خود ممانعت می‌کنند و برای جلوگیری از روشن شدن جرم هر کاری می‌کنند؛ از رشوه دادن و ارتشاء گرفته تا اعمال خشونت‌بار. مسئله‌ای که در میان ادارات، نهادهای انتظامی، امنیتی و قضایی راه یافته است. درنظر داشته باشید که این سازمان‌ها چه طیف گسترده‌ای را درگیر این مسئله می‌کنند. متأسفانه فساد اداری نیز به‌دلیل اقدامات سازمان یافته در حال گسترش است. این سازمان‌ها به قدری بزرگ و گسترده شده‌اند که در لایه لایه‌های نهادهای نظارتی، حکومتی و حتی در مقننه نفوذ می‌کنند و گاه قانون را به نفع خود تغییر می‌دهند. این در کشور ما شاید آنقدر بزرگ نباشد، اما مافیا چنین کارکردی دارد. نکته مهم‌تر مشروعیت دادن به اقداماتی است که انجام داده‌اند. آنها برای افکار عمومی عمل‌شان را به‌عنوان یک اقدام مشروع که در خدمت مردم بوده نمایش می‌دهند، حال آنکه صرفا برای رسیدن به خواست و سودشان چنین کاری کرده‌اند.

خود شما هم زمانی که بر مسند قضاوت قرار داشتید، چنین چیزی را تجربه کرده‌اید؟

به شخصه پرونده مالی در خوزستان داشتم که حدود ۳۰۰هزار نفر شاکی داشت. این شرکت در سال ۱۳۸۳ میلیاردها تومان پول از مردم گرفته بود. مردم هم به آنها اعتماد کرده بودند و بعضی خانه یا مغازه خود را فروخته و به این افراد داده بودند و بسیار هم متضرر شده بودند. این پرونده به‌عنوان فاجعه‌ای در خوزستان مطرح بود، اما آنجا نیز فقط با شخص برخورد کردیم. ده‌ها نفر بازداشت و مجازات شدند. در آنجا هم مقابل ما شخص قرار داشت نه سازمان. از این‌رو به‌علت نقیصه قانونی آنطور که باید با این متخلفان برخورد صورت می‌گرفت نگرفت. همین هم باعث شد یک نفر دیگر هم به‌خودش اجازه دهد چنین تخلفی انجام دهد.

وقتی حقوقدان‌ها و قضات نیز با این نقص قانونی مشکل داشته و از آن آسیب دیده‌اند، چرا چنین مشکلی تا امروز از بین نرفته است؟

شاید ساده‌انگاری و بی‌تفاوتی باشد. شاید هم همان مافیا و سازمان‌ها اجازه نمی‌دهند قوانینی که لازم است تصویب شود یا شکل بگیرد. مافیا می‌توانند از قانونی که به ضررشان است جلوگیری کنند. شاید لازم باشد این چراها در رسانه و میان مسئولان طرح و جواب داده شود.

مصادیق جرائم سازمان یافته که مافیا نیز در دل آن بررسی می‌شود، شامل چه موارد و مصادیقی است؟

قاچاق موادمخدر، ترویج و اشاعه فحشا و فساد، قاچاق سلاح، مفاسد اقتصادی، قاچاق زنان و کودکان که در کشور ما ان‌شاءالله نیست، قاچاق اعضای بدن، پولشویی و... نمونه‌ها و مصادیقی از جرائم سازمان یافته هستند که تأکید می‌کنم با یک ماده مشکل کشور ما حل نخواهد شد و باید یک بخش مفصل نسبت به جرائم سازمان یافته در قانون ما تعریف شود. این راهکار پیشنهادی من است.

نقیصه‌ای در قانون ما هست و آن هم اینکه تعریفی از مافیا در قانون کشور وجود ندارد. هرچند با بررسی قانون می‌توان به تعریفی در این‌باره رسید که نزدیک به تعریف مافیا باشد

ایرادی که در قانون ما وجود دارد این است که صرفا با فرد برخورد می‌شود. مثلا سلطان سکه، سلطان قیر و... که در دوره‌ای هم مجازات شدند. غافل از اینکه سلطان سکه یک سازمان پشت خود داشته و ما با یک فرد برخورد کرده‌ایم

جرائم سازمان‌یافته فقط درباره کالای قاچاق به‌کار رفته است. استنباط می‌کنم استفاده از مافیا بازی با کلمات است و به جای آن باید به قوه مقننه پیشنهاد کنیم یک کتاب قانون نسبت به جرائم سازمان‌یافته به شکل منظم تدوین و تصویب و اجرایی کنند. بازی با کلمات هیچ مشکلی را حل نمی‌کند

مافیا از افشای جرم خود ممانعت می‌کنند و برای جلوگیری از روشن شدن جرم هر کاری می‌کنند؛ از رشوه دادن و ارتشاء گرفته تا اعمال خشونت‌بار. مسئله‌ای که در میان ادارات، نهادهای انتظامی، امنیتی و قضایی راه یافته است. درنظر داشته باشید که این سازمان‌ها چه طیف گسترده‌ای را درگیر این مسئله می‌کنند

نکته‌ها

محمدرضا گیوکی
وکیل پایه یک دادگستری، عضو کانون وکلای مرکز و قاضی بازنشسته

درباره جرائم سازمان‌یافته ما درباره یک سازمان صحبت می‌کنیم. بنابراین سازمان، هیأت حاکم، رئیس و... دارد و بالطبع باید با یک سازمان برخورد شود. ایرادی که در قانون ما وجود دارد این است که صرفا با فرد برخورد می‌شود

یادداشت
محمدرضا رجبی
دکترای تخصصی حقوق

بیش از تعریف عوامل بروز مافیا مهم است

تعریف مشخص و خاصی درباره مافیا در قانون جزایی وجود ندارد. شاید بتوان فعالیت مافیا را ذیل جرائم سازمان یافته بررسی کرد. شاید هم بتوان گروه‌های سازمان‌یافته‌ای را که علیه امنیت ملی تبانی می‌کنند مافیا درنظر گرفت. اما بیش از تعریف این واژه، علل و عوامل بروز آن مورداهمیت است. جرم محصول اجتماع و اجتناب‌ناپذیر است، باید دانست که در فضایی که اجتماعی وجود ندارد، جرمی نیز شکل نمی‌گیرد؛ مثلا در یک جزیره که یک نفر در آن ساکن باشد، جرمی اتفاق نمی‌افتد. از آنجا که پیوند عمیقی میان جرم‌شناسی و حقوق جزایی وجود دارد، تا زمانی که ریشه‌های جرم و پدیده اجتماعی شناسایی و بررسی نشود، قانونگذاری هم مؤثر نخواهد بود. جرم پدیده‌ای ناشی از عوامل زیستی، روانی و اجتماعی است اما چرا جرم شکل می‌گیرد؟ چرایی ایجاد یک پدیده از تعریف آن مهم‌تر است، زیرا به‌دنبال راهکار مؤثری برای مبارزه با جرم است.

مافیا مفهوم جدیدی در حقوق جزا بوده و تبانی برای ارتکاب جرم هنگامی که متشکل از ۳نفر بیشتر باشد، جرم سازمان‌یافته خواهد بود. هدف مجرمان ارتکاب عملی ضداجتماعی با همفکری و همکاری گروهی است. از این‌رو شاید بتوان مافیا و جرائم سازمان‌یافته را محصول اقتصاد ناشفاف و ناسالم دانست. در هر جایی که اقتصاد با شفافیت روبه‌رو نباشد، افراد در پی سوءاستفاده خواهند بود. از سویی دستگاه مالیات‌گیری ناکارآمد و انحصارگرایی نیز به این وضعیت دامن خواهد زد. بنابراین با روشن کردن این موضوعات، می‌توان به این نتیجه رسید که درصورت بروز چنین رفتار و واکنشی، فرد (مجرم) اگر چنین عملکردی داشته باشد، باید موردمجازات قرار گیرد.

پس از شناسایی علل بروز جرم و دستور قانونگذار در برخورد با مجرم، قاطعیت در اجرای قانون از اهمیت بالایی برخوردار است. از آنجا که هر فرد برای انجام کار از تئوری هزینه و فایده سود می‌جوید، چنانچه هزینه پرداختی از سود آن امر پایین‌تر باشد، ذهن حسابگر که در پی سوءاستفاده نیز برآمده، به آن عمل دست می‌زند. با وجود سازمان‌های مربوطه مثل تعزیرات، حمایت از مصرف‌کنندگان و... چرا همچنان در مقابل آنچه امروز به نام مافیا شناخته می‌شود، موفق عمل نکرده‌ایم؟ پاسخ شاید این باشد که در این‌باره نیاز به همکاری و کار گروهی میان ۳قوه مطرح است؛ قوه مقننه، قضاییه و مجریه تا به‌عنوان بازوی اجرایی نواقص یکدیگر را برطرف نکنند، مشکل پابرجا خواهد بود. قوه‌مقننه لازم است تا قانون مناسب پس از ریشه‌یابی علل بروز جرم، تدوین و نواقص مطرح شده قانونی را تکمیل کند. قوه مجریه در اجرا، زمینه‌های بروز و ظهور مافیا را از بین برده و اقتصاد را به شفافیت نزدیک کند و دولت ناظر بر ماجرا باشد. مشخص است که دخالت دولت در اقتصاد آفت‌زاست. قوه قضاییه نیز به‌عنوان مجری عدالت لازم است بتواند به‌گونه‌ای عمل کند که فرد به‌خود اجازه بروز رفتارهای هنجارشکن را ندهد. هر چند با سلاطین به‌وجود آمده که هر روز در رسانه‌ها سربرمی‌آورند برخوردهایی صورت می‌گیرد اما حتما ایرادهایی وجود دارد که برخورد قضایی با این افراد چندان مؤثر واقع نشده و بروز و ظهور این طیف از مافیاهای اقتصادی در جامعه رو به فزونی رفته است. از این‌رو باید زمینه چنین جرائمی از بین برود چون قانون هرچه سختگیرانه عمل کند نیز کارساز نخواهد بود؛ همانگونه که مجرمانی که با فساد در سیستم بانکی شناسایی شدند، در کاهش فساد بانکی مؤثر نبودند یا معرفی اربابدهکاران به‌عنوان مشکوک‌الوصول‌ها هم نتیجه چندانی نداشت. این نشان از آن دارد که برخورد با معلول تا علت شناسایی نشود مؤثر نخواهد بود. مافیا را شاید بتوان هرگونه تبانی برای ایجاد فساد دانست. از این‌رو چنین فرادی از نفوذ کافی نیز برخوردارند. اگر گلوگاه و مفرهای فراوانی برای جلوگیری از اجرای مجازات وجود داشته باشد، دیگر مجازات شکل بازدارندگی خود را از دست می‌دهد. در فلسفه اجرای مجازات‌ها قطعیت اجرای مجازات بسیار مهم است.

اما قوانین ناظر بر این موضوع را شاید بتوان در قوانین مختلف و پراکنده‌ای رصد کرد. تبانی برای ارتکاب جرم در فصل ۱۶ در قانون مجازات‌های اسلامی یا در فصل اول قانون مجازات اسلامی بحث تعزیرات آمده است که به اقدام علیه امنیت ملی از طریق دسته‌جات می‌پردازد. به‌نظر از حیث قانون مشکلی وجود ندارد، اشکال اصلی در اجرا و علل بروز مافیاست. اگر این افعال مجرمانه و غیرقانونی در کشورهای مختلف توسط شبکه‌های مجرمانه مرتبط به هم ارتکاب یابد و اهداف موردنظر از ارتکاب جرم از سوی آنان فراتر از قلمرو جغرافیایی یک کشور باشد، آنگاه ما با «جرم سازمان‌یافته فراملی» روبه‌رو هستیم؛ برای مثال، قاچاق دختران از یک کشور به کشور دیگر و تبادل اطلاعات بین افراد مجرم و مانند آن به جرم، طبیعت فراملی می‌دهد. بعضی از جرائم سازمان‌یافته به امنیت و ایمنی کشورها و نهادها مربوط می‌شود و بعضی ماهیت و طبیعت مالی دارند و افراد برنامه‌ریزی می‌کنند تا خسارات مالی به یک مجموعه وارد کنند؛ مثلا اینکه پول ناشی از فساد در اقتصاد، پولی کثیف است و افراد در اقتصاد در مسیرهایی حرکت می‌کنند که این پول را مشروع کنند. از این‌رو ممکن است گردانندگان این مسائل اقتصادی شبکه‌ای عمل کنند. لازم است در این‌باره همکاری‌های بین‌المللی صورت گرفته و گاه پلیس اینترپل نیز در این میان به کمک بیاید. باید در اجرای قانون همه دست به‌دست هم عمل کنند.